**فساد اداری و اقتصادی در ایران**

فریبا میری پور فرد

چکیده

در تحقیق حاضر به مرور تحقیقات مرتبط با فساد اداری و مالی پرداخته شده است. با توجه به آمارهای ارائه شده از سوی سازمان هایی که به بررسی فساد اداری کشورهای جهان می پردازند، مشاهده می شود که پدیده فساد اداری و مالی بعنوان یک خطر مهم برای جوامع و بشریت محسوب می شود. شاخص ها در رابطه با کشور ایران نشان از این دارد که وضعیت کشورمان در زمینه کنترل فساد نا مساعد است. لذا تلاش برای بازشناسی این پدیده و ارائه راهکارهای مناسب ضرورت دارد. تحقیقات مرتبط با فساد اداری و مالی را می توان در حول چهار موضوع اصلی؛ تعاریف، پیامدها، راهکارها و سنجش فساد دسته بندی کرد. این مقاله یک تحقیق مروری است که به بررسی تحقیقات در زمینه فساد اداری و مالی می پردازد.

واژگان کلیدی

فساد، فساد اداری و مالی، مبارزه با فساد.

# مقدمه

فساد مالی و اداری پدیده ای تاریخی، بزرگ، تأثیر گذار و کانون اندیشه ورزی و سیاستگذاری است (فاضلی, 1388, ص. 5). امروزه فساد اداري و مالي به يك معضل جهاني تبدیل شده است، دولت ها آگاهند كه فساد باعث آسيب هاي بسياري مي شود و هيچ حد و مرزي هم نمي شناسد، همان طور كه نتايج و پيامدهاي آن نيز بنا بر نوع سازمان سياسي و اقتصادي و سطح توسعه يافتگي، گوناگون است. این پدیده در دنیای امروز و بویژه در كشورهای درحال توسعه، به عنوان یكی از مهمترین عوامل در سر راه پیشرفت جامعه، مطرح شده است و صدمات جبران ناپذیری را بر روی سرعت حركت چرخ توسعه جامعه ایجاد كند.

متاسفانه بررسی های موجود نشان می دهد که پدیده فساد بیش از همه در میان کشورهای فقیر و در حال توسعه در این کشورهاست. ایران اولین کشوری در حال توسعه و به دلیل مشخصاتی که برای کشورهای مستعد فساد برشمرده شده، در زمره محیط های مناسب برای بروز فساد است. همچنین به میزانی که توسعه فعالیت های اقتصادی در کشور انجام می گیرد، در صورتی که تمهیدات لازم برای مبارزه اندیشیده نشود زمینه های فساد تقویت خواهد شد (فاضلی, 1388).

# اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

اگرچه مباحث نظری درباره فساد در دهه 1950 شکل جدی تری به خود گرفت، اما از دهه 1970 اولین آثار نظری و بررسی های تجربی در باره فساد ارائه شد و از آن زمان به بعد یکی از اصلی ترین مباحث در زمینه دولت، حکمرانی و توسعه بوده است (فاضلی, 1388, ص. 14).

فساد در نظام های اداری اغلب کشورها موجب آسیب رسانی جدی به توسعه و پیشرفت شده و در کشورهای در حال توسعه،اهمیت و مهار و کنترل آن کاملا برای سیاستمداران و مردم آن ها واضح و آشکار گردیده است. از مضار آن عبارت است از : فساد مانع رشد رقابت سالم و باعث عقب راندن تلاش ها در جهت کاهش فقر و بی عدالتی اجتماعی می شود. فساد اداری موجب تضعیف اعتقاد ملت ها به توانایی خویش و باعث ناامیدی و سرخوردگی نسبت به آینده ای قابل پیش بینی می شود. فساد به افزایش قیمت های معاملات منجر شده، توسعه پایدار را مختل و امکان پیش بینی می شود.در نتیجه، مبارزه با فساد اداری یک ضرورت است تا از تشدید آسیب ها در آینده، پیشگیری نماید (فرخ سرشت, 1383).

رهبر جمهوری اسلامی ایران، علی خامنه ای (1386) در رابطه با اهمیت پرداختن به فساد بیان می کند: «بدترين فسادها در جامعه، رواج فقر و افزايش شكاف بين فقير و غني است. بدترين فسادها در جامعه اين است كه كساني دچار فساد مالي و اقتصادي شوند و از بيت المال مردم براي منافع شخصي و پر كردن جيب خود تغذيه كنند. بزرگ ترين فسادها اين است كه در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعيض باشد و به شايستگي ها و صلاحيت ها و قابليت هاي افراد توجه نشود» (خامنه اي، رهبر جمهوری اسلامی ایران, 1385).

فساد یک پدیده ی اجتماعی است و فقط مربوط به شخص خاص نیست چرا که آثار آن جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه خامنه ای(1386) بیان می کند: «فساد مالي و اقتصادي در تشكيلات مسئولان موظف و در ميان آن ها ، به بدنه اقتصا ي كشور سرايت مي كند؛ لذا بايد جلوي آن گرفته شود. اهتمام به اين كار به خاطر آن است كه مفاسد اقتصادي، جريان آلوده اي است كه اگر جلوگيري و با آن مبارزه نشود، كل فضا را آلوده خواهد كرد. بحث يك جرم منفرد و تك افتاده نيست، برخورد با مفاسد اقتصادي براي نظام اهميت حياتي دارد. اصل عدالت اجتماعي، اجراي عدالت ، درنظر گرفتن حق توده هاي وسيع مردم و پركردن فاصله طبقاتي، يكي از اصول اصلي نظام اسلامي است» (خامنه اي، رهبر جمهوری اسلامی ایران, 1385).

در نظام جمهوری اسلامی ایران، مبارزه با فساد اداري و فساد اقتصادي و سوء استفاده از امكاناتي كه قدرت در اختيار افراد مي گذارد چه سوء استفاده مالي و چه سوء استفاده سياسي از اصول انقلاب است و بايد رعايت شود.مبارزه با فساد، موضوعي اصلي و اساسي است. فساد اقتصاد ي در دستگاه هاي دولتي موجب مي شود كه سود همه تلاشهاي انجام شده در راستاي پيشرفت و توليد ثروت عمومي براي رفاه مردم، به جيب عده اي مفت خور و سوء استفاده چي سرازير شود، لذا مبارزه با فساد، جدي است (خامنه اي، رهبر جمهوری اسلامی ایران, 1385).

گسترش فساد مالی به درستی به عنوان یکی از مهمترین موانع فراراه پیشرفت های اقتصادی بوده و درجه ی بالای فساد مالی می تواند به ناکارآمدی سیاست های دولت بینجامد. پژوهش ها نشان می دهد که فساد سبب کاهش سرمایه گذاری می شود و در نتیجه فعالیت های اقتصادی را از مولد بودن به سوی رانتها و فعالیتهای زیر زمینی می راند (علی محسنی, 1385).

فساد فراگیر یکی از نشانه های ضعف حاکمیت است؛ هرچند کارکرد ضعیف حاکمیت می تواند به گونه مستقیم روند رشد و توسعه اقتصادی را نیز تضعیف کند (محمودي, 1382).

از سوی دیگر،با توجه به اهمیت مشکلات و خطرهای فساد اداری و مالی برای ثبات و امنیت جامعه و نهاد ها و ارزش های دموکراتیک، ارزشهای اخلاقی و عدالت و توسعه ی پایدار و حاکمیت قانون، و نیز با توجه به پیوند فساد با دیگر کجرفتاری های انسانی و اجتماعی و جرایم سازمان یافته، مبازره با فساد ضرورت دارد.

# تعریف مفاهیم و ادبیات نظری

کلمه فساد از ریشه فرانسوی(Corrmption) و ریشه لاتینی(Rumpere) به معنای «شکستن» یا «نقض کردن» گرفته شده است. آنچه که شکسته یا نقض می شوئ می تواند یک «شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری» باشد. در زبان فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: «تباهی»، «ستم»، «مال کسی را گرفتن»، «گزند»، «زیان»، «ظلم و ستم»، «شرارت» و «بدکاری» ذکر شده است (افضلی, 1390).

فساد به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی(خواه سیاستمداران و خواه مستخدمان کشور) است که درآن بطور نادرست و غیر قانونی با سوءاستفاده از قدرت عمومی محول شده به آنها، خود و نزدیکانشان را غنی می سازند (دانایی فرد, 1387).

بسیاری از دانشمندان و متفکران سیاسی مانند ویتوتانزی، ماکیاولی، منتسکیو، روسو، بنتام، و گورنال میردال، به تعریف و اظهار نظر در مورد فساد پرداخته اند. به عقیده ماکیاولی، فساد جریانی است که طی آن موازین اخلاقی افراد سست و قضیلت و تقوای آنها به نابودی کشیده می شود. از آن جایی که بسیاری از افراد از نظر درجه تقوا و پرهیزگاری ضعیف هستند، زمینه فساد در آنها همواره وجود دارد.، مگر آن زمانی که تحت هدایت و نفوذ یک رهبر بزرگ قرار گیرند (زاهدی, 1375).

طبق تعریف بیان شده در فرهنگ وبستر، «فساد پاداش نامشروعی است که برای ورود فرد(کارگزار دولتی) به تخلف از وظیفه محوله پرداخت می شود» (افضلی, 1390).

از دیدگاه تئوبالد[[1]](#footnote-2)، فساد اداری یعنی استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری و دولتی برای نفع شخصی (خلفخانی, 1389).

از دید منتسکیو فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می کند. از نظر او در حکومت مشروط ، نیازی به روی آوردن به فساد نیست. اما در حکومت استبدادی که شرافت و تقوا وجود ندارد، نمی توان به انجام هیچ کاری بدون استفاده مفسدانه امید داست. از نظر گوردال میردال ، فساد معنای وسیع تری دارد و به تمام شکل های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی اطلاق می شود (زاهدی, 1375).

در گذشته فساد اداري را ناشي از حرص سيري‏ناپذير انسان مي‏دانستند. براي مثال، فيلسوفان اسكولاستيك سده‏هاي ميانه درباره فساد اداري اين‏گونه مي‏انديشيدند. فيلسوفان دوره روشنگري ـ جنبش فلسفي قرن هجدهم كه ويژگي بارز آن عقل‏گرايي بود و نظريه‏پردازان دولت دموكراتيك در قرن نوزدهم تعريف دقيق‏تري از فساد اداري ارائه كردند: «سوءاستفاده مقام اداري از وجوه عمومي به منظور افزايش درآمدش به طور غيرقانوني ( صبوري, 1380, ص. 247).

نظريه فلاسفه اسكولاستيك كه فساد اداري را ناشي از حرص سيري‏ناپذير انسان مي‏داند، ناقص و نارساست؛ چراكه تأثير شرايط نهادي مختلف را بر فساد اداري ناديده مي‏گيرد و آن را امري فطري مي‏پندارد. نظريه فيلسوفان دوره روشنگري گرچه دقيق‏تر است، اما هنوز محدود است؛ زيرا فساد اداري را تنها در شكل غيرقانوني آن در نظر گرفته و به شكل‏هاي «قانوني» فساد اداري توجه نكرده است (همان). در كل مي‏توان گفت:«فساد اداري عبارت است از مجموعه طرح‏ها، تصميمات، كارها، برخوردها و روابطي كه در محيط اداره برخلاف خط‏مشي عمومي كشور و قوانين حاكم بر جريان امور اداري و اهداف و منافع جامعه به وقوع مي‏پيوندد و موجب تباهي منافع عمومي و مسخ و بيهودگي اداره مي‏شود.

هایدن هایمر[[2]](#footnote-3) براساس تفاوت دیدگاه مردم و نخبگان سیاسی نسبت به فساد، سه نوع فساد را از هم متمایز می نماید (حبیبی, 1375, ص. 15):

1. فساد سیاه: کاری است که از نظر توده ها و نخبگان منفور است(مانند رشوه گرفتن مهندس ناظر و نادیده گرفتن معیارهای ساخت)،
2. فساد خاکستری: کاری که اکثر نخبگان منفور می دانند اما مردم نسبت به آن بی تفاوت هستند(مانند کوتاهی کارمندان در اجرای قوانینی که مردم دوست ندارند و نخبگان مفید می دانند) و
3. فساد سفید: کاری که ظاهراً خلاف قانون است ولی نخبگان و مردم مهم و مضر نمی دانند.

تعاریف دیگری از فساد اداری نیز توسط ساموئل هانتینگتون و ویتو تانزی به عمل آمده است که به ترتیب عبارتند از: رفتار کارکنان دولتی که برای منافع حصوصی پذیرفته شده را زیر پا می گذارند و نیز اتخاذ تصمیم های اداری تحت تاثیر منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و دابستگی های اجتماعی. تعریف تانزی بیشتر در مورد کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. زیرا در این کشورها روابط اجتماعی و خانوادگی از اهمیت بالایی برخوردار است و هر فرد موظف است که حتی المقدور به خویشاوندان و نزدیکان خود کمک کند. علاوه بر این، هر فرد نیز برای رسیدن به مقاصد شخصی و مشکلات خود در وهله اول متکی به حمایت ها و مساعدت های اقوام و آشنایان خویش است. به طور کلی، فساد اداری عبارت است از استفاده غیر قانونی از اختیارات اداری و دولتی برای نفع شخصی. باتوجه به تعاریف مختلف به عمل آمده، در مجموع می توان فساد مالی و اقتصادی را سوء استفاده از مقام و منصب، موقعیت و اختیارات و قوانین و مقررات در جهت منافع شخصی تعریف نمود (کاظمی, 1383).

کلیتگارد(1996) مدل زیر را برای بیان بحث فساد اداری ارائه کرد (تقوی, 1384):

فساد= قدرت انحصاری+ اختیار- پاسخگویی

جیمز اسکات معتقد است فساد اداری به رفتاری اطلاق می شود که ضمن آن فرد به دلیل تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر و یا موقعیت بهتر خارج از چارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل کند. ساموئل هاتینگتن در مورد فساد اداری معتقد است فساد اداری به مجموعه ای از رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می شود که در جهت منافع غیر سازمانی، ضوابط عرف پذیرفته شده را نادیده می گیرند به عبارت دیگر فساد ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است. فساد را می توان فرزند ناخواسته سازمان تلقی کرد که در تعاملات گوناگون در درون سازمان و نیز به مناسبت تعامل میان سازمان و محیط آن به وجود آمده است (باقری, 1387).

طبق تعریف بانك‎ ‎جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل نیز، فساد اداری عبارتست از استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی اداری، تحت تأثير منافع شخصی يا روابط و علايق خانوادگی. فساد اداری، سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت‎ ‎عمومی) برای كسب منافع شخصی (خصوصی) است، كه این تعریف‎ ‎مورد قبول همگان است. در واقع حد و چهارچوبی فرضی در نظر گرفته شده است که هر فعل یا ترک فعلی که خارج از این چهارچوب بوده و از آن عدول کند، فساد اداری تلقی خواهد شد. بدیهی است چنین‏‎ ‎تعریفی وقتی جامع است كه قوانین و حدود آن كاملاً واضح و فراگیر باشد. فساد در جامعه نسبی است و با نظام‎ ‎ارزشی هر جامعه تعریف می‌شود (محمودی & صدری, 1391).

در خصوص فساد اداری اصولاً تعریف قابل قبول همگانی وجود ندارد و معمولاً به گونه‌های متفاوتی با موضوع فساد اداری برخورد می شود برخی فساد اداری را سوء استفاده از موقعیت و جایگاه اداری برای مقاصد مشخصی دانسته‌اند، گروه دیگری رشوه گیری و پنهان کاری را فساد نامگذاری کرده‌اند وعده‌ای نیز هرگونه ارتباط و رد و بدل کردن منابع و امکانات برای انجام امور غیر قانونی را در سازمان‌ها فساد اداری تعریف کرده‌اند.

اما آنچه در تمامی این تعاریف مشترک است نوعی هنجار شکنی و تخطی از هنجار‌های اخلاقی و قانونی در عملکرد اداری و سازمانی است و از این روست که فساد اداری و تعریف آن تابعی از هنجار‌های مورد قبول در هر جامعه و فرهنگ می شود.

از نگاه نهاد بین المللی برنامه توسعه سازمان ملل[[3]](#footnote-4) عوامل مؤثر بر توسعه فساد شامل موارد زیر است (UNDP, 2004):

* تمرکز قدرت در قوه مجریه و فقدان نظام موازنه و تعادل مؤثر(تفکیک قوای ناکارآمد)،
* فقر شفافیت در زمینه تصمیمات اجرایی همراه با محدودیت دسترسی به اطلاعات،
* نظام حقوقی دستکاری شده که اجازه بی حد و حصری را به مسئولان برای اتخاذ تصمیمات خودسرانه می دهد،
* فقدان نظام پیش بینی و اعمال و
* نظان کنترل اجتماعی نرم و مدارای فراوان با فعالیت های اجتماعی مفسدانه.

# انواع فساد

انواع فساد مالي را مي توان به صورت زير طبقه بندي كرد:

1. فساد سياسي(مقامات بلند پايه)

فساد سياسي رفتار منحرف شده مقا مات دولتي از ضوابط و وظايف رسمي خود به دليل ملاحظات شخصي ، حزبي ، قومي يا منطقه اي است . ( پل هيوود، فساد سياسي ترجمه طاهري و بني هاشمي پژوهشكده مطالعات راهبردي 1381) به عبارت ساده تر رفتار فسادآميزي است كه در حين تخصيص امكانات نظير بودجه و ... يا اتخاذ تصميم هاي سياسي توسط دولتمردان و رهبران احزاب و تشكل هاي سياسي رخ مي دهد. فساد سياسي پيامدهاي مخربي بر تخصيص منابع دارد، زيرا تخصيص به گونه اي متفاوت انجام مي شود. به عبارت ديگر، فساد سياسي مسير منابع را از اموري كه نهاد قانون گذاري عاري از فساد با توجه به شناختي كه از نيازهاي عمومي و اولويت آنها دارد به آن ها اختصاص مي دهد، منحرف مي كند(دفتر مطالعات اقتصادی، اردیبهشت 1386).

1. فساد اداري (ديوانسالاری )

فساد اداري ، سوء استفاده از اختيارها و امكانات عمومي توسط كاركنان دولت است . به عبارت ديگر رفتار و فعاليت هاي فسادآميزي كه در سطح اجرايي توسط كاركنان دولت رخ مي دهد، فساد اداري است(همان، ص 12).

1. فساد ناشي از سياست گذاري ها و تصميم گيري ها

فرآيندي است كه در آن برخي از صاحبان مناصب از سمت هاي سياسي خود براي تعميم ، تضمين و گسترش منافع شخصي ، حزبي ، گروهي يا منطقه اي سوءاستفاده مي كنند. فساد ناشي از سياست گذاري ها و تصميم گيري ها را مي توان به وضوح در خصوص اجراي طرح هاي عمراني ، ملي و منطقه اي و سرمايه گذاري هاي دولتي ، صدور مجوزهاي مختلف و اخذ خدمات حمايتي از دولت براي برخي افراد خاص ، مشاهده كرد(همان،ص 12).

1. فساد در خريدها و قراردادها

خريدهاي بدون برنامه يا بيش از حد نياز يا خارج از استاندارد و بدون كيفيت دستگاه هاي دولتي ، حتي اگر در آن راشي يا مرتشي وجود نداشته باشد، مصاديقي از اين نوع فساد است(همان،ص 12).

1. رشوه

رشوه جوهره اصلي فساد مالي است و براي آن اصطلاحات معادل فراواني نظير حق و حساب ، انعام ، حق العمل ، پول كار چاق كني ، پول شيريني ، اداي دين ، حق سكوت ، حق تسريع ، پول چاي و ... وجود دارد. در اين نوع رابطه آلوده و فاسد وجهي نقدي يا جنسي داده يا گرفته مي شود . معمولاً راشي براي كاهش هزينه ها يا افزايش سوددهي خود رشوه پرداخت مي كند(موسسه تحقيقاتي تدبير1381).

1. تبعيض گري

تبعيض گري روي ديگر سكه فساد مالي است و آن مربوط به دولتمرداني است كه به منابع عمومي(حكومتي ( دسترسي داشته و قدرت لازم را نيز براي تصميم گيري در توزيع اين منابع و دادن امتيازهاي خاص به افراد مشخص دارند( دفتر مطالعات اقتصادی، اردیبهشت 1386).

تبعيض گري رفتار تقريباً روزمره اكثر افراد فاسد، به نفع نزديكان خود مانند خانواده ، طايفه ، قبيله ، قوم ، هم كيشان يا هم محلي ها است.

1. تبارگماري

تبارگماري ، شكل خاصي از تبعيض گري است كه در آن صاحب منصب (حاكم ) اعضاي خانواده و خويشان (همسر، برادران و خواهران ، فرزندان ، پسر عموها، برادرزادگان ، پسر دايي ها، دامادها و ...) خود را بر ديگران ترجيح مي دهد. بسياري از رؤساي جمهور سعي مي كنند كه موقعيت و قدرت نامطم ئن خود را با گماردن اعضاي خانواده در سمت هاي كليدي سياسي ، اقتصادي ، نظامي و امنيتي تحكيم بخشند(همان، ص 13).

1. قوم گرايي

قوم گرايي عبارت از دادن سمت هاي كليدي به خويشاوند، اقوام يا دوستان بدون در نظر گرفتن شايستگي و لياقت آنها است . قوم گرايي ، يك ساز و كار اصلي سياسي در بسياري از حكومت هاي خودكامه و نيمه مردم سالار اس ت . براي مثال در اكثر نظام هاي غير مرد م سالار ، رئيس جمهور طبق قانون اساسي يا بر مبناي عرف جامعه حق دارد كه بيش تر مقام هاي عالي رتبه را عزل و نصب كند . اين حق قانوني يا عرفي ، زمينه تبعيض گري را از جانب او به طورنامحدودي افزايش مي دهد(همان، ص13).

1. اختلاس

اختلاس عبارت است از برداشت يا سوء استفاده از منابع دولت ي و عموم ي توسط اشخاصي كه مديريت اين منابع به دست آنها سپرده شده است. اختلاس شكلي از فساد مالي و سوء استفاده از قدرت است كه در محافل بسته نهادي و عار ي از اخلاق عمومي و در مراكزي كه احتمال مجازات عموم ي در آنها كم است رخ ميدهد. از د يدگاه دقيق قانوني، اختلاس فساد مالي محسوب نمي شود، زيرا در فساد بين دو شخص كه يكي از آنها نما ينده دولت است ، معامله نامشروعي صورت گرفته كه وي از اختيارات دولتي خود به نفع شخصي استفاده مي كند. هنگامي كه در اموال عموم ي اختلاس رخ مي دهد حق جامعه پا يمال مي گردد، هيچیك از افراد جامعه به طور مشخص حق قانون ي ادعا ي جبران خسارت ندارند . اين حالت به يكي از آفت ها ي مقابله با اختلاس اشاره دارد، زيرا برا ي مبارزه با آن بايد اراده سياسي قو ي، قوه قضا ييه مستقل و توان قانوني كافي وجود داشته باشد(همان، ص 13).

1. رانت جويي

رانت جويي گاهي دقيقا مترادف با فساد مالي به كار مي رود و بخشها ي زيادي از اين دو مفهوم، هم پوشاني دارد . رانت جويي از مفهوم اقتصاد ي رانت، يعني عوايد افزون بر تمام هز ينه هاي مربوط، مشتق مي شود و همان چيزي است كه اكثر مردم، آن را سودهاي انحصاري مي دانند. رانت جو يي، حتما منع قانون ي نداشته و يك عمل غ يراخلاق ي در جامعه محسوب نمي شود . از نظر توسعه نيز چنانچه در زمينه هاي برخوردار از بهره وري مجددا سرمايه گذار ي شود، غير اقتصادي نيست، هرچند به طور عمومي ضد توليدي، ضد بهره وري و بيشتر اوقات همزاد با ناكارايي اقتصادي است(همان، ص14).

1. تقلب

تقلب يك جرم اقتصاد ي است كه مستلزم نوع ي كلاهبردار ي، فر يب ي ا دروغ است .تقلب، دستكار ي يا ايجاد اختلال در اطلاعات، حقا يق و امور كا رشناسي از سو ي افرادي است كه از اختيارهاي دولتي برخوردارند و در پي كسب منافع خصوصي هستند. به عبارت ساده تر، تقلب هنگامي رخ می دهد كه یک فرد مسوول جر يان اطلاعات را براي منافع شخصي، گروه يا طبقه خاصي تغيير مي دهد. تقلب اصطلاح قانوني و عموم ي گسترده ا ي است كه دا منه آن از رشوه و اختلاس بيشتر است. مثلا اگر مقامها ي دولتي در قبال در يافت وجه يا امتيازي از تخلفات و جرا يم اقتصادي چشم پوشي كنند، دست به تقلب زده اند( همان، ص14).

1. پارتي بازي

پارتي بازي يك سازو كار استفاده از قدرت است و در نتيجه آن خصوصي كردن و توز يع كاملا تبعيض آميز منابع دولتي به نفع دوستان، همفكران و همخط هاست .پارتي بازي با فساد مالي رابطه تنگاتنگ دارد، ز يرا مستلزم توزيع خلاف و غير قانوني منابع است. پارتي باز ي، و يژگي مقامها ي دولتي و مسوولین فاسدي است كه به منابع عموم ي دسترسي دارند و قدرت لازم را نيز بر اي تصميم گيري در توز يع اين منابع و دادن امتيازها دارا هستند(همان، ص 15).

1. اخاذي

اخاذي استفاده از زور، توسل به خشونت يا تهد يد برا ي اخذ پول و منابع د يگراست. حق سكوت و اخاذ ي، اعمال و روابط آلوده اي است كه در آنها پول به صورت غ يرقانوني و با توسل به خشونت توسط كسان ي كه قدر ت اعمال زور دارند، اخذ ميشود.

1. مخارج دفع شر يا تامين امنيت

وجوهي است كه ميتواند به سبك مافياهاي مرسوم گرفته شود كه در آن مجرمان سازمان يافته، از ا يجاد نا امني و رعب و وحشت، برا ي گرفتن پول از شهروندان، موسسه ها ي خصوص ي و مقامها ي دولت ي استفاده م يكنند. اين اعمال فاسد، علاوه بر اخاذ ي از پا يين، همچن ين م يتواند از بالا باشد و ا ين در زمان ي است كه حكومت خود بزرگتر ين باند ماف يايي را تشك يل دهد . بر اي مثال ا ين حالت زماني رخ مي دهد كه حكومت به و يژه بخشها ي امنيتي و گروههاي شبه نظامي آن، از افراد، گروهها و موسسات اخاذ ي مي كنند و با تهد يدات كم و بيش پنهان وجوه و منابعي را اخذ مي كنند(همان، ص15).

1. سوء استفاده از موقعيت

فرايندي است كه در آن بعضي صاحب منصبان به طور سازمان يافته از سمت سياسي خود براي تعميم، تضمين و گسترش منافع شخصي استفاده مي كنند. سوء استفاده را با يد شكل د يگري از اختلاس تلقي كرد .اين نوع فساد باعث شده كه در برخي از كشورها، صاحب منصبان سياسي و اعضاي خانواده آنها از منافافع سرشاري برخوردار شوند)همان ص 16).

# تاريخچه فساد مالي و اقتصادي در ايران

فساد مالي و اقتصادي در تماي اشكال آن از جمله رشوه خواري، اختلاس، احتكار، قاچاق، پارتي بازي و ... در كشور ما از سابقه طولاني برخوردار است . در دوران قاجار به ويژه در دوراه حكومت ناصرالدين شاه و پس از صدارت ميرزا تقي خان امير كبير، ميزان فساد مالي و اقتصادي در ايران به اوج خود رسيد ، به طوري كه هيچ كاري بدون پرداخت رشوه انجام نمي شد. در اين دوران شاه ايران به پيشنهاد خارجيان و با توصيه رجا ل دربار و در قبال دريافت هزينه سفر به اروپا قسمتي از ذخاير، زمينه هاي مساعد فعاليت هاي اقتصادي در كشور، اعمال نظارت بر فعاليت هاي اقتصادي مردم و در واقع حاكميت ملي را براي مدتي طولاني در قالب امتيازات خاص در اختيار شركت هاي خارجي قرار داد.

در دربار ايران ر قابت شديدي بين رجال براي كسب منافع شخصي بيشتر در قبال ايجاد زمينه هاي مناسب براي تاراج منابع و تضعيف حاكميت كشور شكل گرفته بود كه از آن جمله مي توان دريافت 500 هزار ليره توسط آقا خان نوري به دليل امضاي معاهده پاريس و يا دريافت 2 ميليون ليره بابت اعطاي امتي از بانك رويتر را ذكر كرد . به طوري كه پس از تحريم تنباكو و تهديد به اعلام جهاد از جانب آيت ا ...ميرزاي شيرازي و لغو قرارداد از سوي حكومت ايران، صاحب كمپاني رژي، علاوه بر استرداد خسارات ناشي از سرمايه گذاري، به ميزان قابل توجهي خسارات تحت عنوان وجوه پرداخت ش ده به افراد ذي نفوذ دربار مانند ميرزا حسن خان كامران ميرزا، ظل السلطان، امين السلطان و ديگران كه جمعا مبلغ 500 هزار ليره بود را نيز باز پس گرفت . در جريان اعقاد قرارداد نفتي بين ايران و انگليس پورسانت هاي كلان بين رجال صاحب قدرت در ايران توزيع شده بود . از ج مله پرداخت 60 هزار ليره جهت سفر احمد شاه به اروپا كه پس از اضمحلال قاجاريه و به حكومت رسيدن رضا خان، طي انجام حركت هاي اصلاحي توسط وي پس گرفته شد و ميدان بي رقيبي از دريافت پورسانت براي او و وابستگانش ايجاد گرديد(دفتر مطالعات اقتصادی ، اردیبهشت 1386).

درعصررضاخان(پهلوی اول)ارتکاب اعمال فاسد افزایش یافت .باتوجه به آنچه درتاریخ آمده رضاخان درزمانی که سلطنت رسیددارایی قابل ذکری نداشت،أماباتصرف أموال وأملاک مردم بزرگترین مالک ایران شدوتمام منافع رادرجهت منافع شخصی خود به حرکت درمیاورد.فسادمالی رضاخان ومفاسدبیشمارمقامات بلندبایه باعث شد تصدی مشاغل وبستهای بالای دولتی وحکومتی تنها دردست عده ای محدودجابجاشود (دادگر،1382).

پس از شكل گيري حكومت رضاخان مي توان از مهمترين موارد پورسانت به قراردادهاي نفتي اشاره نمود كه با تلاش هاي اميني، زاهدي و چند تن ديگر انجام شد .در سال هاي پس از جنگ دوم جهاني ( 1325 ) نيز به علت وجود فساد گسترده دردستگاه حكومتي ايران، چندين بار دولت هاي وقت، مبارزه با فساد دولتي را از اهداف خود اعلام نمودند كه سه دوره آن عبارت بود از:

دوره حکومت رزم آراء(1328-29)؛ كه هدف آن پاكسازي دولت از افراد فاسد و ناصالح براي مشاغل عمومي بود و بسياري از افراد پاكسازي شدند . ويژگي اين دوران باز شدن درهاي مملكت بر روي واردات پس از جنگ و خرج كردن سريع دلارهاي بلوكه شده ايران بابت صادرات و مخارج ريالي متفقين در ايران در مدتي بسيار كوتاه و سپس اعلام ورشكستگي و كمبود ارزي دولت بود.

دوره حكومت امينی (1328-29)؛ كه باز هم هدف آن پاكسازي دولت وحكومت افراد فاسد و ايجاد انقلاب اداري و به كارگيري افراد تحصيل كرده و صالح براي راه اندازي كارهاي مملكتي بود .ويژگي اين دوره اعقاد قراداد 1333 با كنسرسيوم نفتي و سرازير شدن دوباره دلارهاي نفتي و سرمايه گذاري ها و وام هاي خارجي به كشوربود.

سال هاي آخر حكو مت هويدا (1352-56)؛ كه باز هم هدف مبارزه با افراد و مقامات حكومتي فاسد و همدستان آنها در جامعه بود كه حتي به بازداشت و حبس عده اي تا روزهاي پيروزي انقلاب اسلامي گرديد . در اين دوره براي اولين بار سوء استفاده از بودجه دولت افشا شد و در پي آن ممنوع الخروج شد ن دو تن از معاونين وزارت بازرگاني به جرم زد و بند با يك شركت انگليسي در جريان يك معامله شكر (ميزان 45 ميليون دلار سوء استفاده در جريان واردات شكر ) و انتشار خبر آن در مطبوعات بود . د اين دوران فساد سطح بالا همچنان ادامه يافت و با خريدهاي هنگفت تسليحاتي در اواخر دوران شاه به اوج خود رسيد( معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، اردیبهشت 1386).

همانطور كه ملاحظه شد در تمامي موارد ، مسئله مبارزه با فساد، جنبه سياسي داشته و به منظور فرو نشاندن موقتي نا آرامي ها و نا رضايتي هاي عمومي و همچنين تسويه حساب هاي شخصي صورت گرفته است . اين اقدامات سطحي و مقطعي كه حاصلي نداشت، به زودي به فراموشي سپرده مي شد. پس از پيروزي انقلاب با وقفه اي كوتاه، متاسفانه پديده شوم فساد مجددا در شرايط خاص كشور ظاهر شد و به ويژه پس از پايان جنگ تحميلي به شكل ها و در زمينه هاي گوناگون بروز كرد . به طوري كه مجلس شوراي اسلامي در سال 1371 قانون ممنوعيت اخذ هر گونه رشوه و پورسانت را تصويب كرد . اما روند فزاينده 1356 كه بودجه - فساد مالي و اقتصادي در كشور همچنان ادامه يافت و در دوره 1368-72 دولت علاوه بر درآمدهاي نفتي با استقراض خارجي از بانك مركزي رشد چشمگيري پيدا كرد، آمار جرايم فساد مالي نيز افزايش بي سابقه ای( رشد 400 درصدي ( يافت تا جایی که در تاریخ 80.2.10 رهبر معظم انقلاب طي فرمان 8 ماده اي به سران سه قوه، بر مبارزه با اين پديده شوم در هر سطحي و به هر شكلي امر فرمودند كردند از اين رو سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور طرح مطالعاتي تدوين برنامه مبارزه با فساد و ارتقاي سلامت در نظام اداري را در دستور كار خود قرار داد. سپس ادامه تدوين و اجرايي كردن آن به وزارت امور اقتصادي و دارايي سپرده شد..امروزه مفاسد مالي و اقتصادي در اعماق وجود اكثر سازمانها، نهادها، بنيادها، ادارات، وزارتخانه ها شركت ها بانك ها، موسسات خيريه و امور عام المنفعه و تعاوني ها ريشه دوانده است . مباحثي چون اختلاس، حيف و ميل اموال عمومي و بيت المال،غارت ثروت هاي ملي و جا به جا كردن آنها، رواج رشوه خواري و پارتي بازي، سلطه قاچاق سازمان يافته بر سرنوشت اقتصاد كشور، انبوه خريدهاي خار جي توسط سازمان ها و شركت هاي دولتي و عمومي به جاي استفاده از امكانات داخلي با انگيزه گرفتن پورسانت هاي كلان، واگذاري هاي مشكوك، ايجاد شركتهاي خصوصي توسط مديران دولتي و سرازير كردن امكانات و وجوه دولتي به اين شركت ها با حيله هاي مختلف، سفرهاي خارجي بي مورد و بي ثمر و پر هزينه، دادن بي دريغ مجوزها به آشنايان و ز ندگي هاي تجملي و افسانه اي برخي از مديران و مسئولين به بحث هاي عادي و روزمره مردم تبديل شده است . عزل مديراني كه به اتهام اختلاس و حيف و ميل اموال عمومي يا كوتاهي در انجام وظايف بر كنار شده اند و نصب آنها در پست هاي مديريتي رده هاي بالاتر از پست قبلي و تد اوم اين روند مايوس كننده، بدون آنكه در برابر كسي پاسخگوي سير قهقرايي دستگاه هاي تحت نظر خود باشند، وجود وابستگي قشري از مديران ظاهرالصلاح به كا نون هاي قدرت هاي مالي و اقتصادي، سياسي، حزبي و جناحي د ر اذهان عمومي تداعي مي كند كه با پشتوانه وابستگي به منابع قدرت، بر سرمايه ها و امكانات مادي جامعه چنگ اندخته و ارزش ها و معنويات مردم به بازي گرفته شده است( همان، ص34).

# پیشینه تحقیق

در تحقیقی به بررسی رابطه ی فساد اداری و حکمرانی خوب پرداخته شده است. نتایج تحقیق مذکور نشان می دهد که فساد متأثر از نوع رابطه دولت با سایر بخش ها و نقش، جایگاه و کارویژه آن در جامعه است و از این رو الگوی حکمرانی خوب را به عنوان الگویی نوین در جهت کاهش فساد و افزایش سلامت اداری معرفی می نماید (قلی پور, 1384).

قلی پور(1384) در بررسی رابطه کنترل فساد و حکمرانی خوب به این نتیجه می رسد، هراندازه که میزان حکمرانی بهبود یابد، فساد نیز کنترل یافته و سلامت اداری افزایش می یابد. به عبارتی دیگر کنترل فساد با حکمرانی خوب رابطه مستقیم دارد. برخی از شاخص هایی که بر فساد اداری تأثیر گذار هستند عبارتند از (قلی پور, 1384):

1. حقوق سیاسی و آزادی های مدنی: بین حقوق سیاسی(انتخابات مردم سالار،قوه قانونگذاری،احزاب مخالف) و آزادی های مدنی(رسانه های گروهی آزاد و مستقل، آزادی بیان و تشکیل اجتماع) و فساد همبستگی منفی وجود دارد.
2. حق اظهار نظر و مشارکت: سیاست گذاری و اجرای پروژه های بزرگ دولتی باید با در نظر گرفتن نظرات ذی نفعان(حق اظهار نظر) و مشارکت کلیه ذی نفعان انجام شود زیرا نپر سنجی از شهروندان که نظرات بازخوردی آنها را در بر می گیرد در بسیاری از کشورهای جهان به ارتقاء عملکرد بخش دولتی و کاهش فساد کمک کرده است.
3. شفافیت و نظارت عمومی: شفافیت، جریان یافتن به موقع و مطمئن اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مورد استفاده سرمایه گذاران خصوصی از وام ها و ارزش های اعتباری وام گیرندگان، خدمات رسانی دولت، سیاست های مالی و پولی و فعالیت های مؤسسات بین المللی را فراهم می سازد. مطالعات نشان می دهد که فقدان شفافیت سبب شکل گیری بحران های کالی، اداری و سیاستگذاری می شود.
4. رقابت و ورود و خروج ازاد: یکی از سرچشمه های فساد بویژه در سطوح مدیریت ارشد، تمرکز قدرت در دست افرادی است که از نفوذ سیاسی خود در دولت برای کسب منافع شخصی استفاده می کنند. برای حل این مسأله؛ انحصار زدایی، مقررات زدایی، تسهیل رقابت و ورود و خروج از طریق تصفیه دارایی ها و رویه های کارآمد راه حل های مناسبی هستند.

عبدالرحمن افضلی، در مقاله ی "فساد اداري و تأثير آن بر توسعه: علل، پيامدها و راهكارهاي برون رفت(1390)"، به تبيين نقش فساد اداري در جوامع و تأثير آن بر توسعه پرداخته و با ورود به ادبیات مفهومی آن، به تعريف فساد به ويژه فساد اداري كه مانع اصلي توسعه و منشأ مفاسد ديگر مي باشد، و سپس به سطوح، انواع و مفهوم فساد در اسناد بين المللي اشاره مي کند. آنگاه در يك بحث كوتاه، علل و عوامل مؤثر در فساد اداري را بيان داشته، ضمن بررسي تطبيقي وضعيت فساد اداري در سطح جهاني وايران، پيامدها و راهكارهاي مبارزه با اين پديده مخرب را بیان می دارد.

در تحقیقی که توسط محسن فرهادی نژاد تحت عنوان " بررسی فساد اداری و روشهای کنترل آن "انجام گرفته است . یافته های تحقیق نشان می دهد که :

موقعیت اقتصادی ٬فرهنگ ٬ویژگیهای فردی و سازمانی ٬کیفیت و کمیت قوانین و مقررات به ترتیب به عنوان مهمترین عوامل در تخلف اداری تاثیر دارند . همچنین نتایج این بررسی نشان داد که عوامل متعددی شامل افزایش حقوق بخش دولتی ٬وضع مقررات و قوانین موثر٬آگاهی عمومی نسبت به مقررات و قوانین ٬سیستم های مالی کارا٬اصلاح ساختار اداری ٬عدم سیاسی کردن سیستم اداری و خصوصی سازی می تواند در کنترل و جلوگیری از تخلف اداری موثر باشد .(فرهاد نژاد ٬1380)

مهین دخت کاظمی در تحقیق خود تحت عنوان "فساد اداری و اقتصادی ایران- راهکارها،(13 سعی کرده است ضمن بیان پیشینه این معضل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، چگونگی برخورد با آن در برهه های مختلف و علل پیدایش این مشکل بیان کرده و راهکارهایی جهت تخفیف یا زدودن آن ارایه می دهد.

حسن دادگر در مقاله ی " فساد مالی در تاریخ معاصر ایران،" مروری تاریخی بر بروز و شیوع مفاسد مالی در ایران داشته و به دنبال مقدمه ای ازکلیت بحث به مفاسد مالی عصر قاجار، پهلوی اول و دوم، دولتهای رژیم سابق پرداخته و در پایان نیز به علل وجود مفاسد مالی در ایران می پردازد.

یوسف محنت پور در مقاله ی فساد اقتصادي و چگونگي مبارزه با آن در فرايند توسعه اقتصادي، ضمن تاكيد بسيار زياد بر مبارزه با فساد اقتصادي در كشور، پيشنهاداتي نيزدر راستاي اصلاحات اقتصادي و برنامه ملي مبارز با فساد براي دست يابي به توسعه اقتصادي ارائه می کند.

محمد خضری در مقاله ی آسيب شناسي روشهاي مبارزه با فساد اداري در ايران، استدلال کرده است كه علت اصلي ناكامي اقدامات و تلاش هاي دولت يا اثربخشي اندك آنها در آسيب هايي است كه در مبا رزه با پديده فساد اداري، ناديده يا دست كم گرفته مي شوند . آسیبهای عمده ای که در این مقاله مرد تحلیل قرار گرفته است عبارتند از: رويكرد اخلاق گرايانه به فساد اداري، خطاي تعميم بوروكراسي وبري، پنهان كاري و شفافيت گريزي در رسيدگي به فساد اداري، بي توجهي به بعد تقاضاي (شهروندان) فساد اداري، اقتدار بوروكراتيك، مخدوش بودن حقوق ارباب رجوع و شكنندگي بالاي آن در دستگاه بوروكراسي كشور، تقلاي دلسوزانه در محيط رانتي، مالكيت متمركز رسانه ها و مطبوعات و اعمال محدوديت هاي دولتي بر كم و كيف گزار ش دهي آنها ، استفاده ناقص از رو ش هاي بازارگرا، فشار افراد و گروههاي خاص براي جلوگيري از پيگيري جدي مبارزه با فساد اداري و بي اعتما دي به نهادها و سازمانهاي مستقل ضد فساد اداري.

محمدعلي مشفق در مقاله ی "آسيب شناسي اجتماعي فساد اداري و اقتصادي در ايران،" ابتدا موضوع فساد را از منظرهاي مختلف مورد بحث قرار می دهد و سپس به عوامل اداري و حقوقي مؤثر در ايجاد فساد اشاره کرده و در پايان نيز مؤلفه هاي تأثيرگذار بر فساد اداري را مورد تحليل قرار مي دهد.

# علل بروز فساد اداری

اقتصاد ایران مانند برخی مسائل اجتماعی، پیچیدگی فراوان دارد و نمی توان به راحتی به شناسایی نارسایی ها و عوامل اصلی آن پرداخت. به عبارتی ساختارهای اقتصاد ما به گونه ای است که نارسایی ایجاد می کند و زمینه تخلف را فراهم می سازد. اقتصاد در کشورما نه ویژگی اقتصاد دولتی را داراست و نه از خصوصیات اقتصاد آزاد و رقابتی برخوردار است؛ و از سوی دیگر در خصوصی سازی هرگام که به سمت جلو برداشته شده، حجم دولت در بخش دیگری افزایش یافته است. در کشورمان باید به بحث امنیت سرمایه توجه ویژه شود. حضور برخی نهادهای دولتی برخوردار از اطلاعات و انحصارات دولتی یا توانایی اعطایی ویژه در فعالیت های اقتصادی، یکی از مهم ترین عوامل ایجاد فضای غیررقابتی و ناسالم است که سرمایه گذاران را ناامید و فراری می کند. کشورهایی که با پدیده فرار سرمایه روبرو می شوند، مفاسد اقتصادی زیادی گریبان گیر اقتصادشان خواهد شد. پیامدهای منفی این فساد بسیار عمیق تر و تهدیدکننده تر از رشوه خواری در ادارات دولتی است، زیرا فساد به کاهش سرمایه گذاری و حتی فرار سرمایه منجر می شود.از جمله عامل ساختاری دیگری که در اقتصاد ما مشکل ساز می باشد، پیچیدگی و نامتناسب بودن مقررات است. سیستم های بانکی، گمرکی، مالیاتی و امثالهم در کشور آن قدر پیچ و خم دارند که بسیاری از سرمایه گذاران ترجیح می دهند یا اصلاً در آن وارد نشوند و یا از طرق غیر قانونی و با پرداخت رشوه و زدوبندها هرچه زودتر خارج از سیستم پیچیده اداری به مقصود خود برسند که این زمینه ساز مفاسد اقتصادی و اداری خواهد بود.

پیچیدگی وفراگیری پدیده خویشاوند گرایی به عنوان بارزترین الگوی فرهنگی درایران یکی از مهمترین عوامل فساد درنظام اداری وتضییع حقوق عامه مردم به نفع خواص است.(عباس زادگان،1383 :147) عوامل اداری وتربیتی شامل تفسیر پیش ازپیش قوانین ومقررات ونبود انگیزه ناشی ازعدم وجود نظام تشویق وتنبیه مناسب، نبود شفافیت پاسخگویی در فعالیتهای نظام اداری،عدم توجه به شایسته سالاری و واگذاری فعالیتهای حساس به سازمان وأهداف آن و عوامل فرهنگی واجتماعی شامل نا آگاهی یاآگاهی کم افراد ازحدود ووظایف وفعالیتهای دستگاههای گوناگون،فقدان وجدان کاری کارمندان از عوامل بروز فساد اداری است.

چیزی که در نظام اداری کنونی واقعیت دارد این است که واحد‌های اداری معمولاً با تعداد زیادی از قوانین و مقررات غیر واقعی و یا غیر ضروری مواجه هستند وابهامات موجود در رویه های اداری و استاندارد‌های جاری کار، ‌امکان هر گونه تصمیم و اقدامات خود سرانه را به کارگزاران آنها می دهند. بعلاوه اینکه، فرآیند‌های پیچیده و چند لایه امور اداری نیز عامل تشویق مراجعان، به پیشنهاد رشوه برای تسریع کار هستند، از طرفی پایین بودن حقوق کارکنان هم دلیل کاهش تدریجی قدرت مقاومت و هم عادت بعدی آنان به قبول این پیشنها‌د‌ها است(<http://omor.blogfa.com>).

رانتی بودن اقتصاد ایران و زمینه های اجتماعی همچون افزایش نابرابری های جامعه، تغییرات ارزش های جامعه و افزایش نیازهای اقشار جامعه، محدودیت ها و عدم امکان افزایش درآمدها، تضعیف کنترلهای درونی و بیرونی بر افراد، هنجار شدن کارهای تامشروع مثل اختلاس و رشوه و انواع دیگر فسادهای اداری و مالی ، ضعف قوانین و مقررات و همچنین عدم آزادی بیان، فاصله مردم از مراکز قدرت، رواج بی اعتمادی در مناسبات اقتصادی و ضرورت نیاز به تضمین ها و مکانیسم های اطمینان، تبعیض و توزیع ناعادلانه منابع بین افراد جامعه، تسلط دولت بر منابع و انحصار آن در اعطای امتیازات برای فعالیتهای اقتصادی را می توان از عوامل مهم وتاثیر گذار بر بروز فساد اداری و اقتصادی در ایران بر شمرد(دفتر مطالعات اقتصادی ،1386).

# پیامدهای فساد اداری و مالی

فساد در بخشهای مختلف متفاوت است. مطالعات نشان می دهند که در جاهایی که فساد مزمن هست، هزینه ی ناعادلانه ی هنگفتی بر کسب وکارهای کوچک تحمیل می شود. مهم تر اینکه سنگین ترین هزینه ها نوعاَ در خود رشوه ها نهفته نیستند، بلکه اساساَ در تخریب پایه های اقتصادی نهفته اند که ره آورد های این رشوه ها هستند. فساد به علت تأثیرش در تخصیص منابع، در تولید و مصرف اثرگذار است. فساد نیروی کار را از فعالیتهای مولد و غیر فسادزا دور می کند و در الگوهای استخدام و ارتقاء تأثیر نی گذارد. در یک محیط فاسد، منابع به سمت عرصه های نامولد(مانند پلیس، نیروهای انتظامی و نظامی و دیگر سازمانهای اجتماعی) می روند. فساد بالا با رشد اقتصادی پایین رابطه مثبت دارد (دانایی فرد, 1387).

فساد اداری موجب انحطاط است، سياست هاي دولت را در تضاد با منافع اكثريت قرار مي دهد و باعث هدر رفتن منابع ملي مي شود. همچنين به كاهش اثربخشي دولت ها در هدايت امور مي انجامد و از اين طريق، اعتماد مردم را نسبت به دستگا ههاي دولتي و غيردولتي كاهش داده و بي تفاوتي، تنبلي و بي كفايتي را افزايش مي دهد. فساد اعتقاد و ارز شهاي اخلاقي را متزلزل مي كند، هزينه انجام كارها را افزايش مي دهد و موجب جرم زايي در سطح جامعه مي گردد؛ به گونه اي كه جامعه در برخورد با اين جرائم، متحمل خسارت اجتماعي و اقتصادي شديد مي گردد و رشد رقابت پذيري و توسعه اقتصادي انساني را دشوار مي گردد. فساد همچنين موجب ناكام ماندن تلاش هاي فقر زدايي، از بين رفتن سرمايه اجتماعي، و ايجاد بي انگيزگي و بدبيني در اجتماع گرديده، زمينه تضعيف روحيه افراد درستكار را فراهم مي آورد (افضلی, 1390).

فساد، اعتماد مردم به دولت را خدشه دار می سازد و ثبات سیاسی و هنجارهای فرهنگی و ملی واجتماعی را متزلزل نموده و با تخریب رقابت منصفانه در بازار کار و تخصیص ناکارآمد منابع مانع رشد اقتصادی می شود. بنابر این؛ به طور کلی فساد سیاسی، اداری و اقتصادی از درجه مشروعیت و اثر بخشی دولت ها می کاهد تا آن اندازه که می تواند دولت ها و نظام های سیاسی را با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه سازد. فساد از هر نوع آنکه باشد ثبات و امنیت جوامع را به خطر انداخته و تهدیدی جدی علیه امنیت ملی محسوب می شود.

شیوع فساددرجامعه مسیربسیاری ازپیشرفتهای اجتماعی وملی رابسته وهزینه های هنگفتی رابردوش کشورودرنهایت مردم گذاشته است که یکی ازمهمترین آنها دربعدکلان افزایش فاصله طبقاتی است واحساس عدم وجود عدالت اجتماعی در ذهنیات افرادکه موجب کاهش اعتقاد به نظام اجتماعی وکنترل روانی افرادبرروی رفتار خود میشود.فساد منجربه هدررفتن سرمایه گذاریهای انجام شده روی منابع انسانی ،کم رنگ شدن فضایل اخلاقی وایجادارزشهای منفی درسازمان است.(عباس زادگان،1383 :32)

ممانعت ازتوسعه اقتصادی کشور ازطریق تخریب رقابت سالم دربازار ازجمله پیامدهای فساد میباشد. برخی از پیامدهای فساد اداری عبارتند از:

\_کاهش احترام به قانون اساسی

\_زائل کردن حکومت اداری مطلوب ودموکراسی

-کاهش فرصتهای سالم ویشرفت برای افراد،مؤسسات وسازمانها

\_افزایش هزینه زندگی مردم،همچون افزایش قیمتها

\_کاهش بهره وری،زیرا زمان وانرژی به جای صرف شدن برای دستیابی به اهداف ،وقف ایجاد شکاف درسیستم می شوند (محمودي م. , 1384).

# راههای مقابله با فساد

در طول چند سال اخیر، برنامه های ضد فساد در ایران عمدتاَ بر اصلاح مدیریت دولتی و مدیریت امور مالی عمومی متمرکز بوده اند، اما این برنامه ها چندان مأثر واقع نشده اند و به نظر اندیشمندان و حتی عامه مردم، فساد اداری در ایران بیش از پیش افزایش یافته است (دانایی فرد, 1387).

می توان راههای مقابله بافساد رابصورت راهکارهای کلان و خرد بیان نمود. ازجمله راهکارهای کلان را می توان پیشگَیری از طریق اصلاح و بهسازی نظام اداری وآموزش مدیریت مؤثر برنامه مقابله با فساد ،تصویب قوانین کار آمد و راهگشا در مقابله با فساد و لغو مقررات غیر منطقی و…را نام برد. راهكارهاي خرد را ميتوان در بخشهاي اداري و مديريتي ،فرهنگي – اجتماعي و سياسي و اقتصادي شرح داد (رحيمي نسب, 1386).

ازجمله راهكارهاي اداري و مديريتي را ميتوان كم كردن مراحل كار و تسريع در پاسخگويي و ايجاد اصلاحات در ساختار نظامها وخدمت به مردم، تقويت فرهنگ مشاركت جويي و مشاركت پذيري در دستگاههاي اداري، افزايش پاسخگويي دستگاهها در مقابل مردم و تقويت فرهنگ سازماني كه ميتواند مرجعي براي احساس هويت كاركنان باشد وكاهش تعامل مستقيم و رودرروي خدمت گيرندگان و خدمت كنندگان (ازجمله اينكه ازعوامل مهم رشوه در ارتباط مستقيم ارباب رجوع باكارمندان ميدانند) و...دانست(سايت سازمان بازرسي كشور،1386).

اقداماتي چون تقويت فرهنگ مسئوليت خواهي و نقدپذيري درست، افزايش آگاهي و آموزش مردم درخصوص مقابله با فساد، آموزش مدرسه اي اجتماعي ضد فساد،ايجاد تغيير در فرهنگ اجتماعي مستعد فساد و...را ميتوان درقلمرو راهكارهاي فرهنگي و اجتماعي دانست.

سياست زدايي از نظام اداري و انتخاب مديران براساس شايستگي واصلاح قوانين، و ايجاد سازمانهاي نظارتي دقيق و بي طرف ومبارزه كننده با فساد،اعمال مجازاتهاي قانوني براي مرتكبان فساد (رحيمي نسب, 1386).

استفاده از وسايل ارتباط جمعي درانتشار اخبار وبسياري ازعوامل ديگر را مي توان درقلمرو راهكارهاي سياسي ومدني بيان كرد. ونيز برخي ازراهكارهاي اقتصادي چون بهبود وضعيت معيشتي كاركنان دولت،شفاف سازي قوانين مقررات حاكم برفعاليتهاي اقتصادي كاهش مداخلات دولت درامور اقتصادي و...ميتوانددرپيشگيري ازفساد اداري مفيدواقع شود.(سايت سازمان بازرسي كل كشور؛1386).

با توجه به آنكه نبود ساختارهاي شفاف وروشن انجام اموردرسازمانهاومحيط اداري راميتوان يكي ازعوامل مهم درانجام فعاليتهاورفتارهاي فسادآلود دانست ،يكي از مؤثرترين شيوه هاي مبارزه با فساد اداري خروج از فضاي تاريك و شفاف سازي ساختار اداري است(سازمان مدیریت صنعتی،1384).

راه حل ها

راه حل برای فساد اداری در یک عنصر و عامل خلاصه نمی شود، بلکه عناصر و عوامل زیادی باید دست به دست هم بدهند تا فساد در کشور کاهش یابد. از جمله عوامل ذیل می تواند در این زمینه بسیار مؤثر باشد، به طوری که بدون هر یک از آنها کار مبارزه با فساد نتیجه مؤثر نخواهد داد.

1. عزم ملی و اراده سیاسی

مبارزه با فساد اداری در کشور نیازمند عزم ملی و اراده جدی سیاسی جهت مبارزه قاطع با فساد اداری می باشد. تا زمانی که این عزم ملی و اراده سیاسی تحقق نیابد، مبارزه با فساد فاقد پشتوانه و بی نتیجه خواهد بود.

2. کوچک کردن دولت

کوچک کردن دولت و نهادهای دولتی و نجات آن از پندیدگی بی پایه و بی مایه و گسترش بخش خصوصی یکی از راه های مؤثر مبارزه با فساد است. مثال بارز این گسترش رسانه های تصویری کشور و خارج کردن تلویزیون از انحصار بخش دولتی به تقویت غیر قابل انکار رسانه های تصویری در مدت بسیار کوتاه انجامید و حتی به تلویزیون ملی یک تکان جدید وارد نمود.

3. تقویت اعتماد مردم،

بسیاری از مردم به توانایی دولت و بخش عدلی و قضایی برای محو فساد اداری باور و اعتماد ندارند. برای کشف هرگونه فساد و عوامل آن به همکاری مردم نیاز است و برای جلب همکاری مردم باید اعتماد مردم را جلب نمود. تمام فعالیت های نهادها و مقامات اداری و دولتی باید به صورت شفاف برای مردم بازگو شود و رسانه ها اجازه داشته باشند که بدون ترس و دلهره به سئوالات خود از مقامات و ادارات دولتی جواب دریافت نموده و به مردم گزارش دهند.

4. اصلاح قوانین

برای مبارزه با فساد باید قوانین معارض با اصول مبارزه با فساد و کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد اصلاح شود تا بستر مناسب را برای مبارزه با فساد فراهم نموده و بسترهای فسادآمیز را حذف نماید. وضع و اصلاح این قوانین باید با توجه به تجارب سایر کشورها و معیارهای بین المللی مذکور در اسناد بین المللی از قبیل کنوانسیون مبارزه با فساد ملل متحد انجام شود.

5. طرح جامع مبارزه با فساد

دولت با ایجاد یک مرکزی جهت مطالعات اساسی و مبتنی بر اصول علمی در باره فساد اداری و ریشه ها و پیامدهای آن و نیز جستجوی راه حل مناسب با استفاده از تجارب و آموخته های سایر جوامع می تواند به حل اصولی و پایدار این مشکل کمک نماید.

6. اصلاح ساختار اداری

حجم دولت و نهادهای دولتی بسیار بزرگتر از ضرورت آن است. حجم دولت و نهادهای دولتی با به شیوه های مختلف کوچک شود، بدنه های غیر ضروری هر نهاد از تشکیلاتش حذف شود و نهادهای موازی ادغام شوند. جهت نظارت فساد اداری باید یک نهاد قوی و مقتدر کافی است و تعدد دستگاه نظارتی فساد انگیز است. با سیستمی کردن کارها، باید ارتباط مستقیم مردم با مسئولین کار کم تر شود. به علاوه، بخش خصوصی گسترش یابد. اعمال اصلاحات در سازمانهای دولتی نیازمند اصلاح و بهبود تشكیلات سازمانها، بهبود نظام بودجه ریزی، مدیریت مالی مؤثر، نظام مالیاتی كارآمد می باشد. این اصلاحات باید بتواند قدرت انحصاری كاركنان را در تصمیم‌گیری تعدیل نماید، ارتباط مستقیم ارباب رجوع و كاركنان را به حداقل برساند، سرعت انجام كارها را افزایش دهد و از ایجاد روابط بلندمدت بین كارمندان و مراجعان جلوگیری نماید(چهره راضی،1387).

7. رشد اقتصادی و معیشتی؛

میان رشد اقتصاد و معیشت مردم و کاهش فساد اداری ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و رشد اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت مردم از جمله افزایش معاش مدیران و کارمندان فساد را کاهش می دهد و در مقابل فساد روز افزون باعث کندی رشد اقتصادی می گردد. با افزایش درامدها و معاش های کارمندان از کمیت فساد اداری جزئی تا حدود زیادی کاسته می شود.

8. تعبیه مکانیزم های اطمینان بخش؛

باید در درون دولت مکانیزمی تعبیه و کارسازی شود که به مبارزه مستمر با فساد اداری و کاهش اثرات مخرب آن و ارتقای همکاری و هماهنگی میان بخش ها و افرادی که در این راستا مبارزه می نمایند، کمک نماید. از جمله این مکانیزم ها سیستمی کردن کارها، شفافیت در فعالیت های اداری و مالی، گزارش دهی منظم و درست، نظارت فعال و دقیق، کشف و پیگیری تخلفات و تخطی های فسادآمیز و برخورد قضایی قاطع با مرتکبان فساد اداری و مجازات مجرمین می باشد.

9. آموزش ضد فساد؛

برای مبارزه با فساد و کنترل آن، آموزش مدیران و کارمندان و آشنا سازی آنها با اینگونه جرایم و تخلفات و مجازات و پیامدهای آن و نیز نحوه مقابله با آن بسیار سودمند می باشد.

10. اصلاح نهادهای عدلی و قضایی و هماهنگی و همکاری میان آنها؛

همکاری و هماهنگی میان نهادهای دولتی از جمله مجریان قانون و بخصوص نهادهای عدلی و قضایی، در زمینه کشف فساد و سرعت و قاطعیت در برخورد با تخلفات و جرایم فسادآمیزبسیار ضروری است. در این راستا، تأمين امنيت رواني، اجتماعي و اقتصادي مديران و قضات سبب می شود که با متخلفان برخورد قاطع و جدی صورت گیرد. تقويت نظارت و تفتیش و بازرسي درون و برون سازمانی و انتخاب بازرسان و مفتشان متخصص و استفاده از علوم رايانه‌اي براي جمع‌آوري آمار و اطلاعات با كيفيت و كميت مطلوب به امر مبارزه با فساد کمک فراوان می نماید.

11. افزایش نظارت عمومی؛

كنترل پنهاني، حسابرسي آشكار و نظارت فراگیر و حساب شده برای مبارزه با فساد یک امر ضروری محسوب می گردد. ارائه آمار دقيق در مورد ميزان دوسیه­هاي وارده، مختومه، احكام برائت و احكام قطعي لازم‌الاجرا مربوط به فساد و کلاً عرضه معلومات دقیق در رابطه با وقایع فساد از یکسو و نظارت مردم، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، مؤسسات غیر دولتی و رسانه ها بر عملکرد دولت می تواند یک وسیله خوبی برای جلوگیری از ارتکاب فساد اداری باشد. بالا بردن نظارت عمومي بخشي از مقابله با فساد اداری است بايد احزاب و اتحاديه‌ها، تشکل­ها، رسانه ها و جامعه مدنی اجازه داشته باشند كه رفتار دولت را زير كنترل داشته باشند و اين موضوع قدرت كنترل مدني را بالا مي‌برد. زيرا قدرت منهاي نظارت مدني دولت را فاسد مي‌كند و نظارت مطبوعات مؤثرترين شيوه براي كنترل فساد هستند.

معلوم است که هر جا كه قدرت باشد و نظارت نباشد فساد رخ مي‌دهد؛ پس قدرت بايد توسط ناظران اجتماعي كنترل شود و در ضمن قدرت بايد گردشی باشد و "اصل گردشی بودن" قدرت و اختیارات سیاسی و اداری با به عنوان یک اصل فراگیر رعایت شود. زيرا قدرت ذاتي نيست و توسط مردم به افراد داده مي‌شود و اگر محدود نشود حتماً فساد رخ مي‌دهد.

12. ایجاد مکانیزم های شفاف در کارهای اداری؛

شفافیت در کارها و فعالیت های اداری بخصوص در درامد های دولتی تا حدود زیادی دست و پای افراد فاسد را بسته و از وقوع فساد اداری جلوگیری می نماید. دولت هرچند دارای مقامات عالیرتبه را ثبت می نماید، ولی این کار متأسفانه بیشتر سمبلیک و تشریفاتی است و هیچگونه تحقیق و بررسی نسبت به صحت و درستی ادعای افراد نمی شود. لارنس گرافت سرپرست بخش انگلستان سازمان بين‌المللي شفافيت معتقد است كه: "اولين گام در شفافيت‌سازي اين است كه تصوير شفافي از درآمد دولت ايجاد شود و دولت درآمدهاي خود را شفاف اعلام كند(ربیعی،1385).

13. افزایش آگاهی عمومی؛

افزایش آگاهی عمومی نسبت به مضرات و پیامدهای فساد و تغییر ذهنیت و باور مردم و مأموران دولتی و اعتلای فرهنگی جامعه از طریق رسانه های همگانی، مکاتب، مؤسسات تحصیلات عالی، مساجد، نهادهای مذهبی، نهاد های مدنی و... استفاده شود(هدایت،1386).

با مطالعه روش های به کار گرفته شده توسط کشورهای موفق در امر مبارزه با فساد اداری، به نکات یکسانی که موجبات موفقیت آنان را در این امر خطیر فراهم آورده، آشنا و لزوم توجه و به کارگیری روش های یادشده جهت توفیق در مقابله با فساد توصیه می گردد:

الف تدوین قانون خاص برای مبارزه با فساد اداری؛

ب) معرفی یک سازمان مشخص جهت مبارزه با فساد به مردم به منظور جلب مشارکت عمومی؛

ج) تفویض مسئولیت انجام اصلاحات سازمانی و اداری برای ساده سازی روش ها و رویه های انجام کار و کاستن از تمرکز سازمانی و اقتصادی به منظور ایجاد الگویی ،یکسان به یک دستگاه معین؛

د) تقویت روابط با سازمانهای بین المللی وسایر کشورها.(فرخ سرشت،1383)

برای تدوین راهبرد ملی پیشگیری از فساد اداری در ایران می توان هشت بعد را در نظر گرفت که عبارتند از:

1. پاسخگویی سیاسی(افزایش شفافیت سیاسی در رقابت احزاب)
2. پاسخگویی رهبری نظام سیاسی کشور(رهبر باید بر پایه شاخصهای عملکردی سازمانهای تبع خود را ارزیابی کند)
3. مشارکت مردمی(سازمانهای مدنی واسط بین حکومت و عامه مردم هستند و ناظر بر کیفیت حاکمیت می باشند)
4. بخش خصوصی رقابتی
5. مدیریت دولتی مردم سالار
6. سازوکارهای نهادی(نظارت نهادهای حکومت بر یکدیگر)
7. آموزش اثربخش آموزه های دینی
8. تقویت نقش رسانه ها(رسانه ها با افشای سوء استفاده ها در کنترل فساد نقش دارند) (دانایی فرد, 1387).

# نگاهی به رتبه بندی کشورها در شاخص ادراک فساد

با نگاه به شاخص ادارک فساد 2012، واضح است که فساد یک تهدید عمده ای برای بشریت است. فساد زندگی و جوامع را از بین می برد و سازمان ها و کشورها را تضعیف می کند. فساد منجر به خشم مردم می شود و تهدیدی برای بیشتر شدن بی ثباتی جوامع و درگیری های خشونت آمیز به حساب می آید.

شاخص اداراک فساد، کشورها را از صفر(فساد بالا) تا 100(خیلی پاک) امتیاز امتیازدهی می کند. در حالیکه هیچ کشوری دارای بهترین امتیاز نیست، امتیاز دو سوم کشورها پایین تر از 50 است و این امر نشان دهنده جدی بودن مسأله فساد است.



منبع: <http://www.transparency.org/cpi2012/result>

بر اساس رتبه بندی سازمان شفافیت بین المللی، در سال 2012، در میان 176 کشور رتبه ی ایران در شاخص ادراک فساد، 133 بوده است. امتیاز ایران برابر با 28 می باشد که این امر نسان دهنده ی گسترده بودن فساد اداری در کشور است.

شاخص ادارک فساد کشورها و مناطق مختلف را بر اساس ادارک از میزان فاسد بودن بخش عمومی آنها رتبه بندی می کند. امتیاز یک کشور یا منطقه، سطح فساد ادارک شده بخش عمومی را از صفر تا 100، نشان می دهد که در آن صفر نشان دهنده این است که یک کشور تاحد زیادی فاسد ادارک شده است و 100 به معنی این است که یک کشور خیلی پاک ادارک شده است. رتبه ی یک کشور نشان دهنده ی وضعیت آن کشور در میان دیگر کشورها و مناطق موجود در شاخص است. در سال 2012 تعدا کشورها 176 بوده است(سازمان شفافیت بین الملل،2012).

جایگاه پیشین ایران در شاخص فساد اداری و مالی در بخش های دولتی در رده 168 بود ، با افت محسوسی رده ایران در گزارش سال 2010 سازمان شفافیت بین المللی به 146 رسیده است(نقل از [سایت تابناک](http://tabnak.ir/) ۵/۸/۱۳۸۹).

# منابع و مآخذ

1. صبوري, م. (1380). *جامعه‏شناسي سازمان‏ها، بوروكراسي مدرن ايران.*
2. UNDP. (2004). *Anti corruption, final version, and practice note.*
3. افضلی, ع. (1390). فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت. *مجله حقوقی بین المللی،نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری،سال بیست و هشتم،شماره 45*, 235-264.
4. باقری, آ. (1387). *لزوم تغییر ساختار اداری به منظور مبارزه با فساد اداری.*
5. تقوی, ع. (1384). تأثیر فرهنگ سازمانی بر فساد اداری. *تدبیر،شماره181*.
6. حبیبی, ن. (1375). *فساد اداری.* تهران: وثقی.
7. خامنه اي، رهبر جمهوری اسلامی ایران, ع. (1385). *مبارزه با فساد از ديدگاه رهبر ي.* تهران: مجلس شوراي اسلامي، مركز پژوهش ها.
8. خلفخانی, م. (1389). رویکرد اجتماعی در تدوین شاخص های اندازه گیری فساد اداری. *فصلنامه علمی-تخصصی دانش ارزیابی(سازمان بازرسی کل کشور) س دوم، ش 3*.
9. دانایی فرد, ح. (1387). *چالشهای مدیریت دولتی در ایران.* تهران: سمت.
10. رحيمي نسب, ،. (1386). آسيب شناسي فساداداري. *نشريه حمايت*.
11. زاهدی, ش. (1375). نگرشی بر فساد و آثار آن. *دانش مدیریت، دور اول، شماره دوم، بهار*.
12. علی محسنی, ر. (1385). *فساد وابعاد آسیب شناسی آن در نظام اداری ایران.*
13. فاضلی, م. (1388). *مقدمه ای بر سنجش فساد.* تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
14. فرخ سرشت, ب. (1383). بررسی عوامل موثر در بروز فساد اداری به منظور ارایه الگویی جهت کاهش اثرات آن در روند توسعه جمهوری اسلامی ایران. *دانش مدیریت، شماره 66، پاییز*.
15. قلی پور, ر. (1384). تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. *فرهنگ مدیریت*, 103-127.
16. کاظمی, م. (1383). *فساد اداری و اقتصادی ایران- راهکارها.*
17. محمودي, م. (1382). *نقش فرهنگ سازماني در پيش‏گيري از بروز فساد اداري.*
18. محمودي, م. (1384). نقش فرهنگ سازماني درمبارزه بافساد اداري. *ماهنامه علمي-آموزشي مديريت تدبير*.
19. محمودی, م., & صدری, ف. (1391). *مقابله با فساد اداری.* تهران: کارشناسان اداره کل بازرسي استان تهران.
20. قدسي،محمد، نظام اداري لازم شرط توسعه، ارتقاي سلامت نظام اداري، ص 166ـ167
21. http://omor.blogfa.com
22. پل هيوود،(1381)، فساد سياسي ترجمه طاهري و بني هاشمي پژوهشكده مطالعات راهبردي
23. موسسه تحقيقاتي تدبير،(1381)، فساد مالي و اقتصادي، ريشه ها، پيامدها، پيشگيري و مقابله، چاپ اول، جلد اول
24. دفتر مطالعات اقتصادی،(اردیبهشت 1386)، تحلیل فساد مالی، اقتصادی و بازرگانی، معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی
25. دادگر،حسن، (1382)، فساد مالي درتاريخ معاصرايران،نشريه عصراقتصاد
26. عباس زادگان، محمد، (1383)، فساداداري،تهران،دفترپژوهش هاي فرهنگي
27. سايت سازمان بازرسي كشور،(1386)
28. سايت سازمان مديريت صنعتي،(1384)، شفاف سازي مؤثرترين شيوه مبارزه با فساد اداري ،ماهنامه علمي –آموزشي درزمينه مديريت تدبير
29. چهره راضی، سید مهدی،(1387)، فساد و راهکارهای مبارزه با آن، تهران
30. ربیعی،علی، مبارزه با فساد اقتصادی، خبرگزاری آفتاب، تاریخ دریافت مطلب از سایت: خرداد 1385. آدرس سایت:
31. http://www.aftabnews.ir/vdch-wn23mnqk.html
32. هدایت،محمد، (1386)، [ریشه های سیاسی فساد اداری در افغانستان](http://mhedayat.blogfa.com/post-35.aspx)، سایت "فلسفه و سیاست
33. [www.heritage.org/index/ranking](http://www.heritage.org/index/ranking) (شاخص سنجش آزادی اقتصادی)
34. <http://www.transparency.org/cpi2012/result> سازمان شفافیت بین الملل( شاخص سنجش فساد)
1. .theobold [↑](#footnote-ref-2)
2. . A.J. Heidenheimer [↑](#footnote-ref-3)
3. .UNDP [↑](#footnote-ref-4)